

# کتاب خواندن

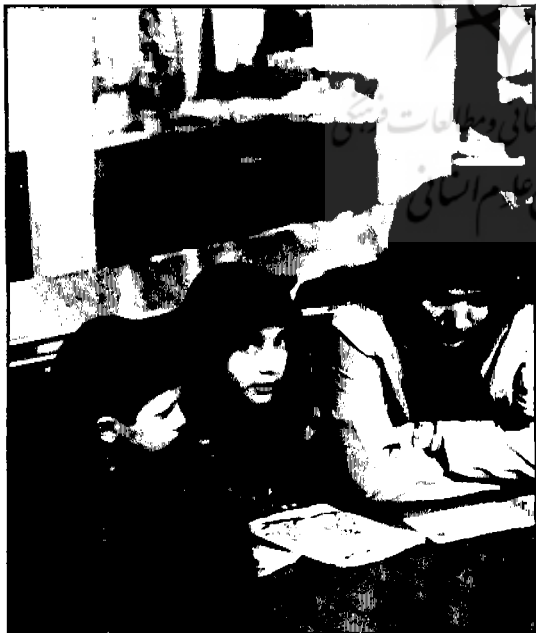


کتاب خواندن یکی از بهترین وسائل تعلیم و تربیت می باشد. کتاب خوب در روح خواننده عمیقا " تاثیر می گذارد. روح و نفس انسان را تکامل می بخشد و شخصیت انسانی او را بالا می برد. بر دانش او می افزاید و اطلاعاتش را بیشتر می نماید. نقائص اخلاقی و اجتماعی را برطرف می سازد. مخصوصا " در زندگی ماشینی کنونی که فراغتها کمتر شده و شرکت در مجالس علمی و دینی دشوار است کتاب خواندن بهترین وسیله تعلیم و تربیت می باشد. تاثیری که خواندن کتاب ممکن است در روح شخص بگذارد از تاثیرات دیگر عمیق تر و ریشه دارتر میباشد و گاهی شخصیت او را دگرگون می سازد. به علاوه ، کتاب خواندن بهترین سرگرمیهـا و تفریحات سالم می باشد. کسانی که اوقات فراغت خویش را با کتاب خواندن می گذرانند ، علاوه بر استفاده های علمی و اخلاقی ، از ضعف اعصاب و پریشانی روح درامان خواهند بود و در زندگی آرامش بیشتری خواهند داشت .

کتاب از هر منظره ای زیباتر و از هر باغ و بستانی فرح انگیزتر می باشد. البته برای اهلیش دل را با صفا و نورانی می کند ، و غمنا و اندوهها را ، ولو بطور موقت ، برطرف می سازد .

حضرت علی علیه السلام فرمود : هرکس کسه خویشتن را با کتابها سرگرم سازد آرامش خاطر را از دست نخواهد داد . ( ۱ )

ابراهیم ایسی



تحصیل دانش نمایند. (۴)

پیغمبر اکرم (ص) فرمود: زندگی جز برای دو کس خیری ندارد اول عالمی که از پیروی کندند دوم کسی که مشغول تحصیل دانش باشد. (۵)

امام صادق علیه السلام فرمود: مردم سه دسته‌اند: دانشمند و دانشجو و بقیه بمنزله زباله‌ها می‌باشند. (۶)

امام صادق علیه السلام می‌فرماید: لقمان به فرزندش فرمود: پسرم! مقداری از ساعت‌های شبانه روزت را برای مطالعه و تحصیل دانش اختصاص بده زیرا اگر مطالعه را ترک کنی علومت را ضایع خواهی کرد. (۷)

حضرت صادق علیه السلام فرمود: طلب علم در همه حال واجب است. (۸)

پیغمبر اکرم صلی الله علیه و آله فرمود: طلب علم بر هر مرد و زن مسلمانی واجب است. (۸)  
امام صادق علیه السلام فرمود: اگر مردم فوائد علم را میدانستند در تحصیل آن کوشش می‌کردند گرچه جانشان را در معرض خطر قرار دهند یا ناچار شوند برای کسب دانش به آن طرف دریا سفر کنند. (۹)

پیغمبر اکرم صلی الله علیه و آله فرمود: اگر روزی بر من بگذرد که در آن روز به علم و دانش من چیزی افزوده نشود، آن روز روز مبارکی نیست. (۱۰)

اولین وظیفه پدر و مادر اینست که فرزندانشان را برای تحصیل دانش و خواندن و نوشتن به مدرسه بفرستند. اسلام نیز در این باره عنایت داشته سفارش کرده است از باب نمونه:

حضرت صادق علیه السلام فرمود: بجه هفت سال بازی می‌کند و هفت سال درس می‌خواند و هفت سال حلال و حرام را یاد می‌گیرد. (۱۱)

امیرالمومنین علیه السلام فرمود: با تحصیل مطالب تازه علمی قلوبتان را از کسالت و خستگی بیرون بیاورید، زیرا قلبها نیز مانند بدن‌ها خسته می‌شوند. (۲)

ترقی و تمدن هر ملتی را می‌توان با مقیاس تیراژ کتابهای آن و کیفیت آنها و تعداد مطالعه کنندگان مورد بررسی و سنجش قرار داد. با سواد بودن علامت پیشرفت نیست بلکه مطالعه و تحقیق از علائم ترقی ملت‌ها است.

سواد دار زیاد داریم اما متاسفانه محقق و کتابخوانهای چندانی نداریم. غالب دختران و پسران وقتی تحصیلاتشان تمام شد کتاب را یکسره کنار می‌گذارند و به زندگی و کسب و کار مشغول می‌گردند. بدین جهت، معلوماتشان در همانحال متوقف خواهد شد. گوئی که درس خواندن باید مقدمه تکامل انسان و پیشرفت علم و دانش باشد. انسان بوسیله درس خواندن و تحصیل دانشهای ابتدائی آمادگی و استعداد مطالعه و تحقیق پیدا می‌کند.

بعد از آن باید به مطالعه و تحقیق و کتاب خواندن بپردازد تا نفس خویش را تکامل دهد و به نوبه خود برای پیشرفت علوم کمک کند. و این عمل راه مقدار توانائی و امکانات خودش تا آخر عمر باید ادامه بدهد. دین مقدس اسلام نیز به پیروانش دستور می‌دهد که از آغاز کودکی تا هنگام مرگ تحصیل دانش را ترک نکنید. از باب نمونه:

پیغمبر اسلام صلی الله علیه و آله فرمود: طلب علم بر هر مسلمانی واجب است و خدا دانشجویان را دوست دارد (۳)

حضرت صادق علیه السلام فرمود: دوست دارم که اصحابم راحتی با ضرب نازیانه و ادار سه



آنگاه از اومی خواهند که خلاصه آن داستان را تعریف کند و اگر اشعار کوتاهی دارد آنها را از بر نماید. اما نباید در این مورد عجله بخرج داد و زیاده روی نمود باید به مقدار استعداد و میل کودک باشد نه زیادتر. و الا ممکن است از همان ابتدا از کتابخواندن بیزار گردد.

این عمل را تا هنگامی می توانند ادامه دهند که کودک خود قادر به خواندن و نوشتن شود. در آن هنگام، خواندن کتاب را خود کودک بایستد برعهده بگیرد و پدر و مادر گوش بدهند، و گاهی در براه مطالب کتاب از او نظر خواهی کنند. در براه مطالب کتاب می توانند با کودک به بحث و گفتگو بپردازند. این برنامه را ادامه می دهند تا هنگامی که کودک به کتاب کاملاً علاقه پیدا کند و خود مستقلاً کتاب بخواند. در اینجا لازم است چند نکته را به پدران و مادران یادآور شویم:

۱- کودکان داستانها را دوست می دارند و مطالب آنها را خوب درک می کنند اما مطالب کلی و مجرد را خوب درک نمی کنند و چندان علاقه ای بآن ندارند بدین جهت، کتابهای کودکان باید حتی القوه به صورت داستان باشد.

۲- هر کودکی شخصیت ویژه ای دارد و همه افراد از حیث استعداد و ذوق یکسان نیستند. و در سنین مختلف نیز تغییر می یابد.

بنابر این پدر و مادر باید قبلاً فرزند خویش را شناسائی کنند و ذوق و استعداد ویژه اش را بدست آورند و بر طبق آن کتاب در اختیارش قرار دهند و از تحمیل مطالب دشوار و خسته کننده جداگانه اجتناب نمایند زیرا چنین عملی ممکن است کودک را از کتابخواندن بیزار گرداند.

۳- چون کودک در حال شکل گرفتن است و کتاب آثار عمیقی در او خواهد گذاشت نمی توان هرگونه

پیغمبر اکرم صلی الله علیه و آله فرمود: فرزند بر پدرش سه حق دارد اول نام خوبی برایش انتخاب کند دوم خواندن و نوشتن را به او بیاد بدهد سوم وقتی بزرگ شد برایش ازدواج کند (۱۲) پیغمبر اسلام صلی الله علیه و آله فرمود: وقتی کودک را به مدرسه بردند و معلم بسم الله را یاد داد خدا کودک و پدر و مادرش را از آتش دوزخ نجات می دهد. (۱۳)

پیغمبر اکرم صلی الله علیه و آله فرمود: وای به حال کودکان آخر الزمان از دست پدرانشان! این که مسلمانند اما واجبات دین را به فرزندانشان یاد نمی دهند. (۱۴)

وظیفه دوم پدر و مادر اینست که فرزندانشان را طوری پرورش دهند که به علم و دانش و کتساب خواندن و بحث و کنجکاوی علاقه مند گردند. علاقه به کتاب مادرزادی نیست بلکه محیط منزل و رفتار و گفتار پدر و مادر در این باره تاثیر فراوانی دارد.

پدر و مادرانی که بدین کار علاقه دارند نباید خودشان نیز اهل مطالعه و کتابخوان باشند و به علم و دانش اظهار علاقه نمایند. محیط منزل آنان محیط علم و دانش و کتاب باشد. و قولا و عملا کودکانشان را به کتابخواندن تشویق کنند. بهتر است این برنامه را از خردسالی و قبل از اینکه کودکان به مدرسه بروند شروع نمایند.

در ابتدا برای کودکان کتاب بخوانند. یعنی داستانهای بسیار ساده و کوتاه و قابل فهمی را که زیبا باشد تهیه کنند و اگر نقاشی داشته باشد بهتر است، آنگاه پدر یا مادر یا خواهر و برادر بزرگتر هر روز مقداری از آن کتاب را آهسته و شمرده برای کودک خردسال می خوانند. و اگر نقاشی دارد مطالب را با نقاشیها تطبیق می کنند

حال هنوز هم کم و بیش درمن باقی مانده است .  
 کاش پدران و مادران این قصه‌های دروغ و تحریک  
 آمیز را برای کودکان نمی‌گفتند و نمی‌خواندند . من  
 خودم تصمیم دارم که این قبیل داستانها را برای  
 فرزندانم نخوانم . معمولا از قصه‌های قرآن و  
 داستانهای واقعی استفاده می‌کنم .



۵- هدف کتابخواندن سرگرمی فقط نیست بلکه  
 غرض اصلی فهم مطالب و استفاده از آنها است .  
 مهم این نیست که کودک چقدر کتاب خوانده است  
 بلکه مهم اینست که چطور خوانده است . آیسایا  
 سرسری خوانده رد شده یا با دقت خوانده و  
 فهمیده است . در این باره پدر و مادر باید کاملاً

کتابی را در اختیارش قرار داد . پدر و مادر باید  
 قبلاً خودشان آن کتاب را خوانده و به صحت  
 مندرجاتش اطمینان داشته باشند یا به تصدیق  
 و معرفی دیگری کاملاً اعتماد داشته باشند تا  
 بتوانند آن کتاب را در اختیار فرزندشان قرار  
 دهند . اگر کودک کتاب بدی را بخواند ممکن  
 است در روح او اثر بدی بگذارد در صورتیکه  
 اصلاح و تربیت مجدد او کار بسیار دشواری  
 خواهد بود .

۴- کودکان به کتابهای جنائی و پلیسی که از  
 قتل و جنایت و دزدی و خیانت بحث می‌کنند  
 اظهار علاقه می‌نمایند ، اما این نوع کتابها نه  
 تنها برای کودکان نفعی ندارند بلکه قتل و جنایت  
 و دزدی را به آنان یاد می‌دهند و به سلامتی و  
 آرامش روانی آنان لطمه وارد می‌سازند . و هكذا  
 کتابهای محرک جنسی نیز برای کودکان زیانبخش  
 می‌باشد زیرا ممکن است غریزه جنسی آنها را قبل  
 از وقت بیدار سازد و آنان را به اوادیهای هلاکت  
 بکشاند .

... در ضمن خاطراتش می‌نویسد : مادر بزرگی  
 داشتم که خیلی به من علاقه داشت شبها پهلوی او  
 می‌خوابیدم و تقاضا می‌کردم برایم قصه بگوید . هر  
 شب برایم قصه می‌گفت تا خوابم می‌برد . قصه‌خاله  
 سوسکه و قصه‌های وحشتناک دیگر . این قصه‌های  
 تحریک‌آمیز در روح روان من اثر می‌گذاشت . و  
 بغض‌گلویم را می‌گرفت . و برای خاله سوسکه که آفا  
 موشه را از دست داده بود گریه می‌کردم و غصه  
 می‌خوردم . با همان حال آشفته و غمناک بخواب  
 می‌رفتم و در خواب هم این افکار پریشان را ادامه  
 می‌دادم . من این داستانهای پوچ و افسانه‌های  
 تحریک‌آمیز را خیلی دوست می‌داشتم اما روحم  
 را حساس و پریشان می‌کرد . ترسو و کم جرات  
 بار آمده بودم . اضطراب و دلهره داشتم . و این





۸- چنین نیست که کودکان فقط دوستدار کتابهای افسانه و دروغ باشند بلکه شرح حال شخصیت‌های ممتاز و انسانهای واقعی و قهرمانان بشریت را نیز خیلی دوست دارند و با خواندن این قبیل کتابها برای خودشان الگو و سرمشق تهیه می‌کنند. خواندن این قبیل کتابها هم برای کودکان لذتبخش است هم آموزنده و مفید.

نظارت داشته باشند. گاهی مطالب کتاب را از کودک بپرسند و نظرش را درباره صحت یا سقم مطالب جویا شوند. از او بپرسند از این مطالب چه نتیجه‌ای گرفته و کجا بدردت می‌خورد.

۹- کودکان به کتابهای افسانه و دروغ پدازیهایی شگفت‌آور نیز علاقه فراوانی دارند، بعضی از دانشمندان هم از این علاقه کودکان جانبداری می‌کنند و می‌گویند این قبیل کتابها برای پرورش قوه تخیل کودکان مفید هستند، لیکن نگارنده عقیده دارد که داستانهای غیر واقعی افسانه، کودکان را



به دروغ پدازی عادت می‌دهند و افکار دروغ و غیر واقعی را در مغزش وارد می‌سازند. او را از واقعیات دور می‌سازند و به خیال پدازی و توقعات بیجا تشویق می‌نمایند. وقتی هم که بزرگ شد انتظار دارد خواسته‌هایش از راههای غیر واقعی انجام پذیرند.

۷- درست است که کودک داستان را بیش از هر چیز دوست دارد اما نباید به خواندن داستان فقط عادت کند بلکه باید گاهی هم کتابهای سودمند علمی و اخلاقی و اجتماعی ساده را در اختیارش قرار داد تا تدریجاً " برای درک مطالب دقیق علمی آماده گردد و به خواندن کتابهای علمی محض عادت کند.

- ۱- غززالحکم ص ۶۳۶
- ۲- اصول کافی ج ۱ ص ۴۸
- ۳- اصول کافی ج ۱ ص ۳۰
- ۴- اصول کافی ج ۱ ص ۳۱
- ۵- اصول کافی ج ۱ ص ۲۳
- ۶- اصول کافی ج ۱ ص ۳۴
- ۷- بحار ج ۱ ص ۱۶۹
- ۸- بحار ج ۱ ص ۱۷۲
- ۹- بحار ج ۱ ص ۱۷۷
- ۱۰- مستدرک ج ۲ ص ۶۲۵